



عدم مشروعیت محاصره دریایی یمن از رهگذر تدقیق در ماهیت مخاصمه مسلحانه در این کشور

محمد ستایش پور *  استادیار حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

مهدی کیخسروی  دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

چکیده

محاصره دریایی یمن در سال ۲۰۱۵ میلادی، با حضور کشتی‌های جنگی نیروهای تحت ائتلاف به رهبری عربستان سعودی، در آب‌های تحت صلاحیت یمن آغاز شده است. سطور پیش رو بر آن شده است تا از رهگذر تدقیق در ماهیت مخاصمه مسلحانه در یمن، به مسأله مشروعیت یا عدم مشروعیت محاصره دریایی یمن نظر بدوزد. پیامدهای ناگوار ناشی از محاصره دریایی یمن، بایستگی کنکاش در مشروعیت یا عدم مشروعیت محاصره مزبور از منظر حقوق بین‌الملل را ایجاب می‌نماید (مسئله)؛ به این منظور، تحقیق پیش رو، با روش توصیفی - تحلیلی و از طریق گردآوری اطلاعات عمدتاً کیفی تحقیق به روش کتابخانه‌ای و به صورت استفاده از اسناد، کتاب‌ها، مقاله‌ها و تارنماهای معتبر انجام شده است (روش)؛ برآمد پژوهش منعکس شده در مقاله حاضر، نشان داده است که مخاصمه مسلحانه میان دولت مرکزی یمن یا نیروهای تحت ائتلاف به رهبری عربستان سعودی با کمیته‌های مردمی وابسته به جنبش انصارالله و بخش‌هایی از ارتش یمن، یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی است و در نتیجه، این محاصره غیر مشروع است. افزون بر این، محاصره دریایی یمن، ناقض موازین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، از جمله و به ویژه دستورالعمل سن رمو و پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ است. (یافته‌ها)

کلیدواژه‌ها: مخاصمه مسلحانه، محاصره دریایی، عربستان سعودی، جنگ یمن

دریافت: ۱۴۰۱-۰۷-۰۱

* نویسنده مسئول mohamadsetayeshpur@yahoo.com

پذیرش: ۱۴۰۲-۰۳-۱۰

صفحات مقاله: ۲۵-۰۷

مقدمه

نیروهای تحت ائتلاف به رهبری عربستان سعودی به منظور پیروزی در مخاصمه مسلحانه یمن در ۲۶ مارس سال ۲۰۱۵ حملات دریایی خود علیه جنبش انصارالله و متحدان آن را آغاز نموده و یمن را محاصره کردند. این محاصره دریایی تا به امروز پیامدهای بسیار ناگواری همچون ممنوعیت ورود کمک‌های بشردوستانه، کمبود دارو و تجهیزات پزشکی - درمانی، کمبود سوخت، گرسنگی شدید، بی‌خانمان شدن افراد، گسترش شدید بیماری‌ها از جمله وبا، دیفتری، مالاریا و در نهایت نابودی هزاران غیرنظامی یمنی را به همراه داشته است. این پیامدها ایجاب می‌نماید که مشروعیت یا عدم مشروعیت محاصره دریایی یمن، در پرتو موازین حقوق بین‌الملل بررسی شود. کنکاش در موازین حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که این مهم از رهگذر تدقیق در ماهیت مخاصمه مسلحانه یمن میسر می‌باشد.

راقمان سطور حاضر بر آن شده‌اند تا از رهگذر تدقیق در ماهیت مخاصمه مسلحانه در یمن به عدم مشروعیت محاصره دریایی یمن بپردازند. با این که موضوع مطروحه از منظر بیداری اسلامی بسیار حائز اهمیت است ولی تا به امروز در هیچ یک از آثار منتشر شده، از منظر حقوق بین‌الملل به عدم مشروعیت محاصره دریایی یمن پرداخته نشده است. پژوهش پیش رو، به اقتضای موضوع آن، با روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود و به این منظور، داده‌های مربوطه با تفحص در کتب، مقاله‌ها، اسناد و تارنماهای مربوطه، به روش کتابخانه‌ای و به صورت فیش‌برداری گردآوری می‌شوند.

در جستار حاضر در گام نخست، به پیشینه علمی موضوع پرداخته می‌شود. در گام دوم مفاهیم بنیادی تحقیق مورد تشریح قرار می‌گیرد. پس از تشریح مفاهیم کلیدی تحقیق، در گام سوم باید مشخص گردد که مخاصمه مسلحانه در یمن چه ماهیتی دارد. به تعبیر دیگر باید مشخص گردد که مخاصمه مسلحانه بین نیروهای حکومت یمن با جنبش انصارالله و متحدان آن و یا مخاصمه مسلحانه بین نیروهای ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی با جنبش انصارالله و متحدان آن یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی می‌باشد یا یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی. در این راستا در مبحث دوم، ماهیت حقوقی بین‌المللی مخاصمه مسلحانه در یمن مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از مشخص شدن ماهیت مخاصمه مسلحانه یمن، در گام نهایی باید بررسی گردد که آیا از دیدگاه حقوق بین‌الملل، محاصره دریایی در مخاصمه مسلحانه یمن مشروع می‌باشد یا خیر. بر این اساس در مبحث سوم موضوع مشروعیت و عدم مشروعیت محاصره دریایی یمن ارزیابی می‌شود.

۱. پیشینه علمی

مطالعات به عمل آمده نشان می‌دهد که تا تاریخ نگارش این مقاله، در متون فارسی نوشتاری که منحصرأناظر بر موضوع «مشروعیت محاصره دریایی یمن از رهگذر تدقیق در ماهیت مخاصمه مسلحانه در این کشور» تدوین نگردیده است. مطالعات صورت گرفته عمدتاً حول محور پیشینه حقوقی محاصره دریایی و مشروعیت محاصره دریایی غزه می‌باشد. مطالعه نیکام نشان می‌دهد که محاصره دریایی ابتدا در چارچوب اعلامیه ۱۸۵۶ پاریس و سپس در چارچوب اعلامیه ۱۹۰۹ لندن قانون‌مند گردیده است. مطابق این اعلامیه‌ها محاصره دریایی نوعی مخاصمه است که مختص جنگ دریایی می‌باشد. نتایج مطالعه ممتاز بیانگر این امر است که رویارویی اسرائیل در نوار غزه مخاصمه مسلحانه بین المللی نمی‌باشد و با عنایت به اینکه محاصره دریایی در مخاصمه مزبور اعمال نمی‌گردد در نتیجه محاصره دریایی غزه توسط اسرائیل فاقد مشروعیت بین‌المللی است.

علاوه بر این تحقیقات صورت گرفته در متون انگلیسی بیشتر حول محور نقد محاصره دریایی و تحقق یا عدم تحقق محاصره دریایی در یمن می‌باشد. مطالعات Drew نشان می‌دهد که هر چند محاصره دریایی در مقایسه با سایر اشکال مخاصمه، ظاهراً بی‌خطر است اما در عمل ثابت شده است که محاصره دریایی یکی از مرگبارترین روش‌های جنگی در تاریخ معاصر است. محاصره دریایی به عنوان شکلی از مخاصمه درصدد درهم شکستن اقتدار جنگی طرف مخاصمه از طریق نابود کردن اقتصاد طرف مقابل و شهروندان آن طرف می‌باشد. به تعبیر دیگر آثار محاصره دریایی علاوه بر طرف متخاصم متوجه شهروندان آن نیز می‌باشد که این امر ناقض اصل تفکیک در حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. همچنین حمایت‌های موجود در مقررات عرفی مربوط به محاصره دریایی و پروتکل الحاقی شماره ۱ تمهیدات کافی برای تضمین این امر که غیرنظامیان در اثر محرومیت از کمک‌های بشردوستانه در محاصره دریایی با گرسنگی شدید و بیماری‌های صعب‌العلاج مواجه نشوند، اتخاذ نمی‌نماید. Fink بر این باور است که قوانین جنگ دریایی به ویژه قوانین محاصره دریایی در مورد اقدامات اجرایی نیروی دریایی در دریای سرزمینی یمن تسری نمی‌یابد چرا که این اقدامات نیروی دریایی که توسط نیروی دریایی ائتلاف به رهبری عربستان سعودی اعمال می‌گردند مبنای قانونی دارند. به تعبیر دیگر این اقدامات مطابق قطعنامه‌های سازمان ملل متحد اعمال می‌گردند. علاوه بر این، نویسنده مزبور در توجیه این

اقدامات معتقد است که آن‌ها در زمره اختیارات حاکمیتی دولت‌ها در دریای سرزمینی خودشان می‌باشد.

۲. چارچوب مفهومی

تعیین مشروعیت یا عدم مشروعیت محاصره دریایی در یمن مستلزم بررسی مفاهیم بنیادین محاصره دریایی نظیر تعریف محاصره دریایی و شرایط اعتبار آن، تعریف مخاصمات مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی و اعمال یا عدم اعمال محاصره دریایی در مخاصمات مزبور می‌باشد که در ذیل به آن‌ها پرداخته می‌شود.

از نظر حقوقی محاصره دریایی، عملیاتی رزمی است که به وسیله ناوها و یگان‌های رزمی یک طرف جنگ، برای جلوگیری از تردد به بنادر و سواحل تعیین شده دشمن صورت می‌گیرد که می‌تواند به صورت محاصره یک بندر یا تمام سواحل دشمن باشد. در محاصره دریایی ارتباط دشمن به طور کامل با دریا، از بندر یا سواحل تعیین شده قطع می‌گردد و تمرکز بر ممانعت از آمد و شد شناورها است (نیکتام، ۱۳۸۶: ۵۴). اولین مجموعه از اصول و قواعد حقوق بین الملل در خصوص محاصره دریایی در اعلامیه ۱۸۵۶ پاریس درج شده است. این اصول و قواعد از رهگذر کنفرانس و اعلامیه ۱۹۰۹ لندن اصلاح و توسعه یافته‌اند (Davis & Engerman, 2006: 417-418). به طور کلی، مطابق با این اسناد، به غیر از شرط لزوم اقدام از جانب مقام صلاحیتدار - شرطی که فقط مربوط به محاصره نمی‌شود بلکه برای هر نوع اقدامی که مشتمل بر ابراز حق حاکمیت یک دولت باشد لازم است - سه شرط برای معتبر بودن محاصره وجود دارد: شرط وجود مخاصمه مسلحانه، شرط مؤثر بودن و شرط لزوم اعلام و ابلاغ (روسو، ۱۳۶۹: ۲۹۶). در ادامه به بررسی این سه شرط پرداخته می‌شود.

در حقوق بین الملل، مخاصمات مسلحانه به دو دسته مخاصمات مسلحانه بین المللی و مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی تقسیم می‌شوند. بین المللی بودن یا غیر بین المللی بودن مخاصمه به طور مستقیم در مشروعیت یا عدم مشروعیت محاصره تأثیر گذار است. مخاصمه مسلحانه بین المللی در ماده ۲ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مطرح شده است. ماده ۲ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ اظهار می‌کند که مخاصمه مسلحانه بین المللی، مخاصمه‌ای است که بین دو یا چند طرف متعاهد اتفاق می‌افتد؛ حتی اگر یک طرف حالت جنگ را شناسایی نکند. کنوانسیون همچنین نسبت به اشغال جزئی یا کلی سرزمین یک طرف متعاهد اعمال می‌شود؛ حتی اگر چنین اشغالی با مقاومت مسلحانه‌ای همراه نباشد (Geneva Convention I, 1949, Art.

2; Geneva Convention II, 1949, Art. 2; Geneva Convention III, 1949, Art. 2; Geneva Convention IV, 1949, Art. 2) این به آن معنا است که وقوع مخاصمه مسلحانه بین المللی باید محرز باشد.

به هر روی، در این نوع مخاصمه، درگیری باید بین نیروهای مسلح رسمی دو دولت مختلف باشد. علاوه بر این، درگیری مسلحانه میان جنبش‌های آزادی بخش ملی با رژیم‌های نژادپرست، اشغال‌گر و استعمارگر در یک سرزمین، هرچند ظاهراً مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی است اما در حکم مخاصمه مسلحانه بین‌المللی و تابع قواعد حقوق بشردوستانه حاکم بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی است؛ به شرطی که آن درگیری مسلحانه در چارچوب منشور ملل متحد و اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر مناسبات و همکاری دوستانه میان دولت‌ها باشد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۵۲). همچنین مداخله نظامی یک دولت در یک مخاصمه غیربین‌المللی به منظور محافظت از مردمی که در حال مبارزه هستند «مخاصمه بین‌المللی شده» تلقی می‌گردد. در این مخاصمه، ورود و درگیری نظامی با دولت مرکزی مدنظر می‌باشد. از این رو، تجهیز، آموزش، ارائه اطلاعات نظامی و پشتیبانی مالی کافی نیست و مخاصمه غیربین‌المللی را به مخاصمه بین‌المللی بدیل نمی‌کند. مطابق با این معیار، مخاصمه لیبی یک مخاصمه بین‌المللی شده و مخاصمه سوریه یک مخاصمه غیربین‌المللی است.

در خصوص اعمال محاصره دریایی در جریان یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی، باید اظهار نمود که مطابق با مفهوم معمول از حقوق مخاصمات مسلحانه، محاصره می‌تواند تنها توسط نیروهای دریایی متخاصم اعمال بشود. در نتیجه، محاصره دریایی در شقوق مختلف مخاصمات مسلحانه بین‌المللی اعمال می‌شود (Drew, 2017: 1-12).

در خصوص مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی باید گفت که یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی، مخاصمه مسلحانه‌ای است که بین مقامات دولتی و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته غیردولتی یا صرفاً گروه‌های مسلح سازمان‌یافته غیردولتی با یکدیگر اتفاق می‌افتد. بنابراین، مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی، مشمول اغتشاشات و تنش‌های داخلی، تظاهرات و همین‌طور عملیات خشونت‌آمیز مسلحانه انفرادی یا پراکنده نمی‌گردد (Cassese & Gaeta, 2013: 71). در این نوع از مخاصمه مسلحانه، حداقل یکی از بازیگرانی که در مخاصمه شرکت می‌کند، بازیگر غیردولتی است (Sivakumaran, 2012: 3). وجه تمایز این مخاصمه از مخاصمه مسلحانه بین‌المللی در این نکته نهفته است که مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی، منحصرأ در داخل خاک

تنها یک دولت صورت می‌گیرد (ممتاز و رنجریان: ۱۳۸۷: ۱۶). به عنوان یک قاعده حقوق عرفی محاصره دریایی و حقوق بیطرفی در مخاصمات مسلحانه غیرین‌المللی اعمال نمی‌گردند.

البته از نقطه نظر برخی، دکترین مخاصمه استثنایی بر این اصل است. مطابق با این دکترین، چنانچه دولت در گیر در مخاصمه مسلحانه غیرین‌المللی یا دولت ثالث، طرف متخاصم غیردولتی را به رسمیت بشناسد امکان اعمال محاصره دریایی در مخاصمه مسلحانه غیرین‌المللی وجود دارد. با وجود این، بررسی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و رویه قضایی محاکم بین‌المللی کیفری، نشان می‌دهند که این دکترین، لازم و بایسته نیست (Drew, 2017: 40-67). از این رو، وجود مخاصمه مسلحانه، عامل تعیین‌کننده است.

دومین شرط اعتبار محاصره دریایی، شرط مؤثر بودن می‌باشد. ماده ۴ اعلامیه ۱۸۵۶ پاریس در این خصوص اعلام می‌کند که «محاصره برای الزام آور بودن، باید مؤثر باشد، یعنی باید با قوای کافی انجام بگیرد؛ به گونه‌ای که دسترسی به ساحل دشمن واقعاً ناممکن شود». مفاد این ماده عیناً در ماده ۲ اعلامیه ۱۹۰۹ لندن تأیید شده است. همچنین ماده ۴ اعلامیه لندن اظهار می‌کند که چنانچه قوای محاصره‌کننده به دلیل وخامت اوضاع جوی، به طور موقت، عقب‌نشینی نمایند شرط مؤثر بودن محاصره به قوت خود باقی است. به عبارت دیگر، مؤثر بودن محاصره در صورتی که قوای محاصره‌کننده به دلیل وخامت اوضاع جوی، موقتاً عقب‌نشینی نمایند، تعلیق نمی‌گردد. نمایندگان دولت‌ها در کنفرانس دریایی ۱۹۰۹ لندن تمایلی به وضع مقررات بیشتر نداشتند. با وجود این، به نظر می‌رسد مؤثر بودن یک محاصره در هر مورد توسط دادگاه عالی ملی یا دادگاه بین‌المللی ذی صلاح تعیین می‌گردد.

در صورتی که تخلیه کالا در ساحل توقف گردد می‌توان گفت محاصره مؤثر می‌باشد. باید توجه داشت که در محاصره ضروری نیست حمل و نقل هوایی متوقف یا ممنوع شود. مسدود شدن موقتی بندر به دلیل غرق شدن کشتی‌ها در ورودی بندر به منزله محاصره تلقی نمی‌گردد. تعقیب یک ناو دریایی محاصره‌گریز در مؤثر بودن محاصره خدشه‌ای وارد نمی‌کند؛ اما با توقف یا قطع کردن محاصره، مؤثر بودن محاصره و به تبع آن، الزام‌آوری آن مخدوش می‌گردد. درخصوص اتمام محاصره باید افزود که با دفع نیروهای محاصره‌کننده توسط دشمن یا با نابودی جزئی یا کلی آن نیروها، محاصره به پایان می‌رسد؛ حتی اگر نیروهای جدید بدون تأخیر جایگزین نیروهای سابق گردند. مطابق با اعلامیه ۱۹۰۹ لندن، اعلام و ابلاغ جزء شروط اساسی مشروعیت محاصره می‌باشند (Declaration Concerning the Laws of Naval War, 1909: Art. 8).

اعلامیه محاصره توسط دولت محاصره کننده یا مقامات دریایی این دولت صادره می‌شود. در این اعلامیه، موارد ذیل باید تصریح گردند: الف: تاریخ آغاز محاصره ب: محدوده جغرافیایی منطقه تحت محاصره ج: چارچوب زمانی که کشتی‌های بی طرف اجازه ورود پیدا می‌کنند. این محاصره باید به دولت‌های بی طرف و مقامات محلی ابلاغ گردد (Declaration Concerning the Laws of Naval War, 1909: Art. 9). مفاد اعلامیه و ابلاغ، نسبت به مواردی که محدودیت‌های محاصره بیشتر می‌شود یا نسبت به مواردی که محاصره پس از اتمام، دوباره برقرار می‌گردد، اعمال می‌شود (Declaration Concerning the Laws of Naval War, 1909: Art. 12). اختتام داوطلبانه محاصره، همچنین هرگونه اعمال محدودیت در مناطق محاصره شده باید ابلاغ گردد. چنانچه اعلامیه محاصره به مقامات محلی ابلاغ نگردد یا چنانچه مهلتی داده نشود، کشتی‌های بی طرف باید مجاز باشند تا مناطق محاصره شده را ترک نمایند. کشتی‌هایی که واقعاً یا احتمالاً از محاصره مطلع هستند و تلاش می‌کنند به مناطق محاصره شده وارد یا خارج شوند ممکن است توقیف گردند؛ البته به شرط این که توسط کشتی‌های جنگی قوای محاصره کننده تعقیب شوند.

در رویه معمول دولت‌ها، سه نوع اعلام وجود دارد: الف) اعلام عمومی که محاصره را از طریق دیپلماتیک به اطلاع دولت‌های ثالث می‌رساند. ب) اعلام در محل که مکمل اخطار عمومی است و توسط فرمانده ناوگان محاصره کننده صورت می‌گیرد و مقامات محلی، دریایی و کنسولی ساحل یا بندر محاصره شده به این ترتیب مطلع می‌گردند. ج) اعلام خاص که از جانب ناوگان محاصره کننده خطاب به کشتی‌ها صورت می‌گیرد. این سه نوع اعلام، توأماً ضرورت ندارد. رویه معمول بین‌المللی را می‌توان به ترتیب زیر خلاصه کرد: الف: اعلام در محل همواره ضروری است. ب: اعلام خاص به کشتی‌ها تنها توسط رویه معمول فرانسه، به خصوص رویه قضایی قرن نوزدهم در مورد غنایم، ضروری شناخته شده است که آن را مکمل الزامی دو نوع اعلام دیگر می‌داند (روسو، ۱۳۶۹: ۳۰۴).

۳. ماهیت حقوقی بین‌المللی مخاصمه مسلحانه در یمن

از سال ۲۰۱۱ بین جنبش انصارالله و متحدان آن و نیروهای حکومتی یمن مخاصمه مسلحانه رخ داده است. دلایل بی‌شماری وجود دارد که نشان می‌دهد جنبش انصارالله و متحدان آن، تحت یک فرماندهی مؤثر می‌باشد. آن‌ها قادر هستند تا نیروهای حکومتی را از شهر صعده بیرون و حکومت جدیدی را ایجاد کنند. آن‌ها می‌توانند صلاحیت خود را به منظور انجام عملیات هماهنگ اعمال نمایند. همچنین فرماندهی این نیروها قادر است تا فرامین صادر شده از جانب

مقامات مافوق را اجرا نماید. این قابلیت‌ها بعد از سال ۲۰۱۱ میلادی، با گسترش پایگاه قدرت جنبش انصارالله و متحدان آن به استان‌های مجاور آن‌ها بیشتر نمایان شده است.

جنبش انصارالله و متحدان آن، قادر هستند تا کنترل مؤثر بر سرزمین داشته باشند. اصل کنترل مؤثر در حوزه حقوق مسئولیت بین‌المللی جهت انتساب عمل به دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی، حائز اهمیت می‌باشد. در خصوص اهمیت انتساب در حقوق بین‌الملل، به موجب حقوق بین‌الملل عرفی، به آن نحو که در مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت بابت عمل متخلفانه بین‌المللی و نیز در مجموعه مواد ۲۰۱۱ نهاد یادشده به عنوان نهاد علمی تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل، در خصوص مسئولیت سازمان بین‌المللی بابت عمل متخلفانه بین‌المللی منعکس شده است، انتساب عمل، یکی از دو عنصر اصلی در تحقق مسئولیت بین‌المللی بابت عمل متخلفانه بین‌المللی است (International Law Commission, 2001: Art. 2; International Law Commission, 2011: Art. 4). در مورد معنا و مفهوم نظارت و کنترل مؤثر، می‌توان به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه استناد جست.

دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان دادگاهی که در گستره جهانی از صلاحیت بین‌المللی برای رسیدگی به اختلافات حقوقی بین کشورها برخوردار است، در مورد این موضوع که ایالات متحده آمریکا، مسئول اعمال شورشیان کنترا است ابراز داشت باید محرز شود که آیا رابطه شورشیان با دولت آمریکا از یک طرف به میزان وابستگی و از طرف دیگر به حد کنترل رسیده بوده است و از این رو به لحاظ حقوقی، کنتراها، ارگان دولت ایالات متحده یا عاماً از طرف آن دولت هستند. دیوان با تکیه بر اصل نظارت و کنترل مؤثر ابراز داشت به رغم کمک‌های مالی هنگفت و دیگر حمایت‌هایی که ایالات متحده از کنتراها نموده است هیچ دلیل روشنی دال بر این امر وجود ندارد که آمریکا چنان درجه‌ای از کنترل را در تمام جنبه‌ها اعمال کرده باشد؛ به گونه‌ای که تلقی «کنتراها به عنوان عامل آمریکا» را توجیه کند. در مقابل این اصل، اصل نظارت و کنترل کلی قرار دارد که مطابق با آن، دولت کنترل کننده لازم نیست تمام جنبه‌های عملیات را کنترل نماید. اصل یادشده، ره‌آورد شعبه تجدید نظر دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیه موسوم به تادیچ می‌باشد (زمانی، ۱۳۹۳: ۲۷۶ و ۲۷۷).

انصارالله و متحدان آن، قادر به اعمال کنترل مؤثر بر سرزمین هستند. این امر از طریق اخراج نیروهای دولتی از آن سرزمین اثبات شده است و از این رو، قادر به تشکیل یک نظام

حکومتی در مناطق تحت کنترل خود هستند. اعضای جدیدی را استخدام و آموزش نظامی دهند؛ دسترسی منظم به سلاح‌ها و دیگر تجهیزات نظامی را تأمین کنند و در مذاکرات سیاسی مشارکت نمایند. با عنایت به شواهد موجود به طور کلی درگیری بین جنبش انصارالله و متحدان آن و حکومت یمن به عنوان یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی است. در واقع، این درگیری‌هایی که در یمن ایجاد شده امروزه فراتر از یک اغتشاش، تنش و عملیات خشونت‌آمیز مسلحانه انفرادی و پراکنده می‌باشد.

در خصوص وضعیت مداخله نظامی دولت عربستان سعودی در یمن که در حمایت از حکومت این دولت به عمل آمده، باید خاطر نشان کرد که این عملیات، چه به عنوان یک درگیری مسلحانه مستقل با جنبش انصارالله و متحدان آن، در نظر گرفته شود و چه به عنوان حمایت از درگیری مسلحانه نیروهای حکومتی یمن با جنبش انصارالله و متحدان آن در نظر گرفته شود، یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی است (Fink, 2017: 6). در مورد شق نخست، از آن جا که درگیری بین دو گروه دولتی نمی‌باشد در نتیجه مخاصمه قاعداً غیربین‌المللی است و در مورد شق دوم، نمی‌توان این مخاصمه را بین‌المللی شده تلقی نمود؛ چرا که همانطور که پیش‌تر اشاره شد، مخاصمه‌ای بین‌المللی شده می‌باشد که دولت ثالث علاوه بر مداخله در مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی، از گروه‌های مخالف دولت نیز حمایت کند. این درحالی است که در درگیری یمن به جای گروه‌های مخالف دولت یمن از دولت یمن حمایت شده است. در خصوص وضعیت مداخله نظامی سایر دولت‌ها نظیر مصر، امارات متحده عربی، قطر، مراکش و سودان که بخشی از نیروهای آن‌ها در عملیات ائتلاف علیه جنبش انصارالله و متحدان آن در یمن شرکت دارند باید اظهار نمود که آن‌ها درگیر یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی هستند (Zamir, 2017: 213). در خصوص قطر، قابل عرض است که در سال ۲۰۱۷ دولت‌های عربستان سعودی، بحرین، مصر و امارات متحده عربی با این استدلال که دولت قطر از تروریسم بین‌المللی حمایت می‌نماید، روابط دیپلماتیک و تجارت خود را با این دولت محدود یا قطع نمودند و در همان سال، این کشور را از عملیات ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی اخراج کردند. در نتیجه، امروزه قطر به عنوان یک طرف درگیر در مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی یمن حضور و دخالت نظامی ندارد.

ایالات متحده آمریکا و بریتانیا از ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی حمایت کرده‌اند. افزون بر این، دولت فرانسه نیز اقدام به ارسال سلاح به یمن نموده و افسرانی را در ستاد فرماندهی ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی منصوب کرده است اما این اقدامات فرانسه، به خودی خود،

منجر نمی‌گردد که این کشور به عنوان یکی از طرفین مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی یمن تلقی گردد. دولت ایالات متحده آمریکا از این ائتلاف حمایت‌های لجستیکی و اطلاعاتی می‌نماید. دولت بریتانیا به حمایت فنی و تبادل اطلاعات با نیروهای نظامی عربستان از رهگذر ترتیبات از پیش موجود می‌پردازد. با وجود این، حمایت این دو دولت به نسبت محدود می‌باشد. دولت ایالات متحده آمریکا بیان کرده است که نیروهای این دولت به طور مستقیم در حمایت از عملیات نظامی ائتلاف در یمن مشارکت نظامی نداشته‌اند. به همین ترتیب، دولت بریتانیا اظهار نموده است که به طور مستقیم، در عملیات نظامی ائتلاف در یمن حضور نداشته است. در نتیجه، دلیلی وجود ندارد که بیانگر مداخله مستقیم نظامی نیروهای دولت‌های ایالات متحده آمریکا و بریتانیا در یمن باشد. از این رو، آن‌ها نباید به عنوان طرف‌های مخاصمه مسلحانه علیه جنبش انصارالله و متحدان آن، تلقی گردند. در واقع، حمایت لجستیکی و تسلیحاتی نباید به عنوان یک توسل به زوری که ممکن است به یک مخاصمه مسلحانه منتهی شود، تلقی گردد (Zamir, 2017: 214 & 215). در این باره شایسته توجه است که حقوق مسئولیت بین‌المللی به آن گونه که در مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد به عنوان نهاد علمی تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل، راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بابت اعمال متخلفانه بین‌المللی منعکس شده است، به انتساب رفتار شخص یا گروهی از اشخاص به دولت پرداخته شده است.

مطابق با ماده ۸ مجموعه مواد یاد شده، «رفتار شخص یا گروهی از اشخاص به موجب حقوق بین‌الملل عمل دولت تلقی می‌شود در صورتی که شخص یا اشخاص مزبور در انجام رفتار مزبور در واقع به دستور، تحت هدایت یا کنترل دولت عمل کنند» (International Law Commission, 2001: Art. 8). به عنوان یک اصل کلی، رفتار اشخاص یا نهادهای خصوصی به موجب حقوق بین‌الملل به دولت قابل انتساب نیست. با وجود این، در شرایطی ممکن است چنان رفتاری به دلیل وجود یک رابطه واقعی میان شخص یا نهاد مرتکب رفتار و آن دولت، به دولت مزبور منتسب شود. ماده ۸ به ۲ مورد از چنین شرایط می‌پردازد. مورد نخست مربوط به اشخاص خصوصی است که در انجام رفتار متخلفانه از دستور یک دولت پیروی می‌کنند. مورد دیگر وضعیت کلی‌تری است که در آن، اشخاص خصوصی تحت هدایت و کنترل یک دولت عمل می‌کنند (International Law Commission, 2001: 47).

در مورد دولت ایران و وضعیت آن در مخاصمه مسلحانه یمن، قابل عرض است که ایران از لحاظ نظامی در مخاصمه یمن شرکتی ندارد. در این باره شایسته توجه است که حمایت به معنی

شرکت در مخاصمه نیست. ایران حملات عربستان سعودی را محکوم می‌نماید و درخواست مذاکرات صلح را دارد. به طور مثال، بعد از حمله به مراسم تشییع جنازه در صنعاء، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران اعلام کرده است که متأسفانه هیچ راه حلی به منظور پایان تجاوز ددمنشانه توسط حکام سعودی و آغاز دور جدید مذاکرات که شامل کلیه طرف‌ها گردد، وجود ندارد (Guidero & Hallward, 2018: 93). ادله‌ای وجود ندارد که نشان دهد دولت ایران جنبش انصارالله و متحدان آن را کنترل کرده باشد. از این رو، جنبش انصارالله و متحدان آن نمی‌توانند به عنوان بخشی از نیروهای دولت ایران تلقی گردند (Zamir, 2017: 214). دولت ایران به طور قاطع کلیه اتهامات را رد کرده است. علاوه بر این، سخنگوی وقت وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا نیز اعلام کرده است که شواهدی دال بر کنترل دولت ایران بر فعالیت‌های جنبش انصارالله و متحدان آن وجود ندارد (Ruys, Corten & Hofer, 2018: 905). نیروهای نظامی دولت ایران در این مخاصمه ورود نکرده و درگیری نظامی با دولت مرکزی یمن نداشته‌اند. از این رو، این مخاصمه مسلحانه در یمن، یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی می‌باشد.

۴. عدم مشروعیت محاصره دریایی یمن

با توجه به این که مخاصمه بین دولت یمن یا نیروهای ائتلاف با شبه نظامیان، یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی است، قواعد جنگ دریایی و دستورالعمل سن رمو در خصوص حقوق قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه در دریا صریحاً به محاصره دریایی در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی نپرداخته‌اند و این به آن معنا است که محاصره دریایی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی محقق می‌شود. قابلیت اعمال قواعد جنگ دریایی نسبت به مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی در حاله‌ای از ابهام است و توسل به محاصره در چنین مواردی با تردید همراه است (Guilfoyle, 2011: 179). بنابراین، به طور کلی محاصره در خصوص مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی اعمال نمی‌گردد.

در مورد امکان تحقق محاصره در مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی، شایسته توجه است که دولت‌ها گاهی موافقت خود را با محاصره کردن بازیگران غیردولتی اعلام کرده‌اند. به طور نمونه، می‌توان به جنگ داخلی ایالات متحده آمریکا و مخاصمه رژیم صهیونیستی و لبنان در سال ۲۰۰۶ میلادی اشاره نمود. در مقابل، نمونه‌هایی نظیر جنگ داخلی اسپانیا و جنگ استقلال الجزایر وجود دارد که در آن‌ها به این شیوه عمل، اعتراض شده است (Frostad, 2018: 199). در خصوص محاصره دریایی یمن، نهادهایی نظیر سازمان ملل متحد و دولت ایران همواره این محاصره را

محکوم نموده‌اند (Middle East Eye, 2018). چنین به نظر می‌رسد که در این خصوص، رویه بین‌المللی واحدی وجود ندارد. بر این اساس، در موارد تردید در شمول امری در حیطه محاصره دریایی در مخاصمات مسلحانه، محاصره دریایی در مخاصمات بین‌المللی استصحاب و فقدان محاصره دریایی در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی احراز می‌گردد. زیرا بقای محاصره دریایی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی اصل و فقدان محاصره دریایی در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، استثناء است. در واقع، اصل بر محاصره دریایی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است و در موارد تردید؛ باید اصل را به صورت مضیق تفسیر نمود و استثناء را به قدر متیقن محدود ساخت. با این اوصاف، محاصره دریایی در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی شدید نیز غیر مشروع است. در واقع، به هیچ وجه، حتی در صورت پذیرش دکترین مخاصمه، محاصره دریایی به عمل آمده توسط نیروهای دولتی یمن یا نیروهای ائتلاف، مشروع نیست و در نتیجه به مخاصمه غیربین‌المللی یمن تسری نمی‌یابد (Frostad, 2018: 199).

محاصره به عنوان نوعی مخاصمه خاموش در دراز مدت، می‌تواند آثار به شدت زیان‌باری را نسبت به جمعیت غیرنظامی مستقر در دولت‌های محاصره شده به همراه داشته باشد. تدابیر دریایی در چارچوب حقوق محاصره و دستورالعمل سن رمو، به تدابیر دریایی توجه شده است. (Drew, 2012: 27-75) ماده ۱ دستورالعمل سن رمو که به تعریف حدود اجرایی آن اختصاص یافته است، مشخص نمی‌کند که این مقررات، نسبت به کدام گونه از نبردهای مسلحانه اعمال می‌شوند. در واقع، هدف از این ابهام، آن بوده است که طرف‌های درگیر در یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی، دامنه اجرای این دستورالعمل را به عملیات ناوهای جنگی تسری ندهند (ممتاز، علیزاده و زرنشان، ۱۳۹۶: ۱۴۵). در مقابل، نص صریح ماده ۱ دستورالعمل یاد شده، به لحاظ اصولی، اطلاق دارد. اطلاق آن به این معنا است که در بادی امر، ممکن این گونه خوانش شود که شامل هر دو نوع مخاصمه مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی می‌گردد. علاوه بر این، تصویب این دستورالعمل پس از تصویب و پذیرش قواعد بشردوستانه ناظر بر مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، نظیر ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ بر اعمال قواعد دستورالعمل یاد شده نسبت به مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی دلالت دارد (Geneva Convention I, 1949, Art. 3; Geneva Convention II, 1949, Art. 3; Geneva Convention III, 1949, Art. 3; Geneva Convention IV, 1949, Art. 3; Additional Protocol II, 1977).

دستورالعمل اخیر، بخشی را به مشروعیت محاصره در ارتباط با قحطی اختصاص داده است. مطابق با مقررات قسمت چهارم دستورالعمل سن رمو، چنانچه محاصره صرفاً با هدف به قحطی کشاندن جمعیت غیرنظامی یا انکار دیگر ارقام ضروری برای حیات آن‌ها اعمال گردد، یا با هدف ورود زیان به جمعیت غیرنظامی باشد، یا بتوان پیش‌بینی کرد که به طور مفرط با مزیت نظامی واقعی و مستقیم محاصره در ارتباط است، بدون تردید غیر مشروع است. چنانچه جمعیت غیرنظامی مستقر در سرزمین محاصره شده به اندازه کافی غذا و سایر ارقام ضروری برای گذران حیات نداشته باشند، طرف محاصره کننده باید امکان عبور آزاد مواد غذایی و سایر ارقام اساسی را فراهم آورد. در چنین وضعیتی، ایجاد بستر مناسب برای انتقال آزاد ارقام اساسی و خوراکی تحت شروط ذیل است؛ الف: حق تجویز نمودن تمهیدات فنی شامل جستجو که تحت چنین عبوری اجازه داده می‌شود ب: این ارقام، تحت نظارت محلی یک قدرت حامی یا یک سازمان بشردوستانه بی‌طرف نظیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ توزیع گردد (San Remo Manual, Rules 102 & 103: 1994). در یمن، به تبع محاصره دریایی نیروهای ائتلاف، غیرنظامیان یمنی با وضعیت بحرانی مواجه می‌باشند و در حدود ۲۰ میلیون یمنی به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند؛ در محاصره دریایی یمن، نیروهای تحت ائتلاف به رهبری عربستان سعودی مانع ورود غذا، دارو و سایر کمک‌های بشردوستانه به یمن گردیده‌اند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، سازمان جهانی بهداشت و سایر سازمان‌های بشردوستانه نسبت به تعطیلی قریب‌الوقوع بیمارستان‌ها و مراکز خدمات درمانی به خاطر فقدان سوخت و مواد اولیه هشدار داده‌اند. مطابق با گزارش برنامه جهانی غذا در مه ۲۰۱۶ میلادی، قیمت سوخت در برخی از مناطق حدود ۴۵۰ درصد و قیمت گندم ۹۰ درصد افزایش داشته است. غذا و کالاهای اساسی در مناطقی نظیر «صعده» و «تعز» یافت نمی‌گردد. در اثر این محاصره، تاکنون هزاران نفر اعم از کودکان و بزرگسالان کشته شده‌اند. این اقدامات، موجی از اعتراضات در دنیای اسلام و سایر مناطق دنیا را به همراه داشته است. در حال حاضر، یمن جهت تأمین تغذیه غیرنظامیان خود به واردات غذا و جهت تولید برق به واردات سوخت نیاز دارد (Drew, 2019: 35 & 36).

مقامات رسمی سازمان ملل متحد مرتباً هشدار داده‌اند که کشور یمن به سمت قحطی پیش می‌رود. کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان، هشدار داده است که ۲ میلیون نفر از مردم یمن بی‌خانمان شده‌اند و این در حالی است که در ۶ ماه نخست سال ۲۰۱۸ میلادی، بیش از ۱۰۰ هزار نفر در یمن بی‌خانمان گردیده‌اند. بحران بشردوستانه در یمن با کمبود تجهیزات و امکانات

بهداشتی شدیدتر شده است. یونیسف، سازمان جهانی بهداشت و برنامه جهانی غذا اعلام کرده‌اند که حدود پنجاه درصد تجهیزات پزشکی در یمن فعال هستند. در نتیجه یمنی‌ها صرفاً با کمبود مواد غذایی مواجه نیستند. آن‌ها همچنین با شیوع بیماری‌هایی نظیر وبا، دیفتری و مالاریا مواجه هستند. از آوریل ۲۰۱۷ میلادی، بیش از یک میلیون یمنی به وبا مبتلا گردیده‌اند که بیش از ۲ هزار نفر آن‌ها از بین رفته‌اند. همچنین سازمان جهانی بهداشت اظهار کرده است که از اکتبر ۲۰۱۷ میلادی، بیماری دیفتری شایع گردیده و بیش از ۱۳۰۰ نفر را که هشتاد درصد آن‌ها کودک می‌باشند را تحت تأثیر قرار داده است (Americans for Democracy & Human Rights in Bahrain, 2018). محاصره دریایی نیروهای ائتلاف به استناد بخش چهارم دستورالعمل سن رمو ناقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌باشد. با وجود این، برخی بر این اعتقادند که ماده ۱۰۲ دستورالعمل سن رمو در این زمینه که آیا مواد غذایی کافی و دیگر اقلام ضروری به یمن وارد می‌شوند تا محاصره متناسب تلقی گردد مستلزم مذاقه و بررسی بیشتر است (Fink, 2017: 14 & 15). شواهد نشان می‌دهد که امروزه حقوق محاصره گرایش روزافزونی به پذیرش جنبه‌های مختلف حقوق بشردوستانه دارد (Fink, 2011: 191). علاوه بر این، مطابق با دیدگاه واقع‌گرایانه، هیچ دولتی در صدد نیست که از طریق محاصره، یک جمعیت غیرنظامی را به گرسنگی بکشاند. علاوه بر دستورالعمل سن رمو، قواعد بشردوستانه گسترده‌تر، نظیر مواد ۱۴ و ۱۸ پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ راجع به دسترسی غیرنظامیان به کمک‌های بشردوستانه نشان داده است که اقدامات نیروهای تحت ائتلاف عربستان سعودی در ممانعت از ورود کمک‌های بشردوستانه به یمن ناقض قواعد بشردوستانه بین‌المللی می‌باشند (Fink, 2017: 13 & 14).

نتیجه‌گیری

محاصره دریایی از دیرباز، موجب چالش‌های مختلف حقوقی، فراحقوقی و ورا حقوقی شده است. ائتلاف سعودی در محاصره دریایی استفاده کرده است. لیکن حقوق بین‌الملل موضوعه، به خصوص حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه، کوشیده‌اند تا محدودیت‌هایی بر محاصره دریایی اعمال کنند. چرا که محاصره می‌تواند پیامدهای اسفناکی علیه غیرنظامیان داشته باشد. با عنایت به تحقیقات صورت گرفته، چنین استنباط می‌گردد که مشروعیت یا عدم مشروعیت محاصره مسلحانه یمن، مستلزم تعیین ماهیت این محاصره می‌باشد. در این راستا، محاصره مسلحانه یمن چه به عنوان محاصره مسلحانه بین نیروهای حکومت یمن با جنبش

انصارالله و متحدان آن و چه به عنوان مخاصمه مسلحانه بین نیروهای ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی با جنبش انصارالله و متحدان آن در نظر گرفته شود یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی می‌باشد؛ زیرا، اول این که جنبش انصارالله و متحدان آن به عنوان یکی از طرفین درگیر در مخاصمه، یک بازیگر غیردولتی بوده است. دوم این که، کنترل و نظارت دولت ایران بر جنبش انصارالله و متحدان آن و همچنین ورود و درگیری نیروهای نظامی دولت ایران در یمن جهت تبدیل مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی به مخاصمه مسلحانه بین‌المللی شده اثبات نگردیده است؛ و سوم این که، این مخاصمه مسلحانه در داخل سرزمین تنها یک دولت یعنی دولت یمن صورت گرفته است.

به موجب تحلیل‌های صورت گرفته، حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که محاصره دریایی و حقوق بی‌طرفی برخلاف مخاصمه مسلحانه بین‌المللی در مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی اعمال نمی‌گردند. در نتیجه، محاصره دریایی یمن توسط حکومت یمن یا نیروهای تحت ائتلاف، غیرمشروع می‌باشد؛ حتی در صورت پذیرش دکترین مخاصمه، نمی‌توان محاصره دریایی به عمل آمده توسط نیروهای دولتی یمن یا نیروهای ائتلاف را مشروع دانست و آن را به مخاصمه غیربین‌المللی یمن تسری داد. علاوه بر این، تأملی بر قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه نشان می‌دهد که نیروهای تحت ائتلاف به رهبری عربستان سعودی با ممانعت از ورود مواد غذایی، کالاهای اساسی نظیر سوخت، دارو و سایر کمک‌های بشردوستانه، مفاد دستورالعمل سن رمو و پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ را نقض کرده‌اند.

به این ترتیب، از رهگذر تحلیل گزاره‌های حقوقی بین‌المللی ارائه شده، مستنبط است که محاصره دریایی یمن، در سیاق یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی است و از این رو، محاصره دریایی یمن، مشروعیت ندارد. حتی چنانچه برخی محاصره دریایی یمن را در سیاق مخاصمه مسلحانه بین‌المللی و مشروع بدانند، بدون تردید، عدم رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه، یعنی حقوق در جنگ، جایی برای مشروع بودن آن باقی نمی‌نهد. حمایت از حیات، حیثیت و کیان موجودیت انسانی از یک سو و تحقق آرمان دیرینه جامعه بین‌المللی یعنی برقراری صلح و امنیت بین‌المللی از سوی دیگر، اقتضا دارد که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به عنوان بازیگران اصلی جامعه بین‌المللی از رویکرد منفعلانه و گزینشی به رویکرد فعالانه و غیرگزینشی گذار کنند.

فهرست منابع

۱. ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۹). مسئولیت بین‌المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، شهر دانش
۲. روسو، شارل (۱۳۶۹). حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه سید علی هنجنی، جلد ۱، تهران: انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی
۳. زمانی، سید قاسم (۱۳۹۳). حقوق سازمان‌های بین‌المللی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش
۴. زمانی، سید قاسم؛ سیفی، بهزاد (۱۳۹۹). برخورد نفت‌کش‌ها با مین در دریای عمان (۲۰۱۹) از دیدگاه حقوق بین‌الملل، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، شماره ۱
۵. سیفی، بهزاد (۱۴۰۰). محاصره دریایی یمن توسط ائتلاف سعودی از منظر قواعد حقوق بین‌الملل و بازنمایی رسانه‌ای آن، پژوهش‌نامه رسانه بین‌الملل، شماره ۲
۶. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۲). حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، تهران: انتشارات گنج دانش
۷. عابدینی، عبدالله و روزگاری، خلیل (۱۴۰۰). حقوق مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی: ترجمه متن و شرح مواد طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد
۸. فضائلی، مصطفی (۱۳۹۵). «مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۱
۹. فضائلی، مصطفی و رشیدی، مهناز (۱۴۰۱). «ظرفیت‌های قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران در حمایت از قربانیان نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه در جنگ یمن»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۱
۱۰. مصفا، نسرین و شمس لاریجانی، علیرضا (۱۳۹۱). «لیبی؛ آوردگاه «مسئولیت برای حمایت»»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱
۱۱. ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ مخاصمات مسلحانه داخلی، تهران: نشر میزان
۱۲. ممتاز، جمشید و شایگان، فریده (۱۳۹۲). «انطباق محاصره دریایی غزه از سوی اسرائیل با حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، مجموعه مقالات همایش تحولات حقوق بین‌الملل دریاها، تهران: انتشارات گنج دانش

۱۳. ممتاز، جمشید؛ علیزاده، مسعود؛ زر نشان، شهرام (۱۳۹۶). محاصره دریایی غزه از منظر حقوق بین‌الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲
۱۴. نیکام، احمد (۱۳۸۶). «جنگ دریایی از منظر حقوق بین‌الملل»، ماهنامه دادرسی، شماره ۶۶
15. Additional Protocol (II) to the 1949 Geneva Conventions(1977)
16. Americans for Democracy & Human Rights in Bahrain (2018). “HRC 38 Written Statement: Violations of International Humanitarian Law in Yemen by Saudi Arabia and its Coalition Allies”, Available at:<https://www.adhrb.org/2018/06/violations-of-international-humanitarian-law-in-yemen-by-saudi-arabia-and-its-coalition-allies/> (Last visited: 2022.09.09)
17. Blank, Laurie & Noone, Gregory (2018). International Law and Armed Conflict: Fundamental Principles and Contemporary Challenges in the Law of War, second edition, Aspen Publishing.
18. Cassese, Antonio & Gaeta, Paola (2013). Cassese's International Criminal Law, 3rd edition, Oxford University Press.
19. Davis, Lance & Engerman, Stanley (2006). Naval Blockades in Peace and War: An Economic History Since 1750, Cambridge University Press.
20. Declaration concerning the Laws of Naval War (1909). London, 26 February.
21. Declaration Respecting Maritime Law (1856). Paris, 16 April.
22. Drew, Phillip (2012). An Analysis of the Legality of Maritime Blockade in the Context of Twenty-First Century Humanitarian Law, Thesis of Master of Laws, Canada, Queen's University.
23. Drew, Phillip (2017). The Law of Maritime Blockade: Past, Present, and Future, Oxford University Press.
24. Drew, Phillip (2019). “Blockade? A Legal Assessment of the Maritime Interdiction of Yemen's Ports”, Journal of Conflict and Security Law, vol. 24
25. Fink, Martin (2011). “Contemporary Views on the Lawfulness of Naval Blockades”, Aegean Review of the Law of the Sea and Maritime Law, vol. ۱
26. Fink, Martin (2017). “Naval Blockade and the Humanitarian Crisis in Yemen”, Netherland International Law Review, vol. 65, pp. 291-307.

27. Frostad, Magne (2018). "Naval Blockade", Arctic Review on Law and Politics, vol. 9, pp. 195-225.
28. Geneva Convention (I) on Wounded and Sick in Armed Forces in the Field, 1949.
29. Geneva Convention (II) on Wounded, Sick and Shipwrecked of Armed Forces at Sea, 1949.
30. Geneva Convention (III) on Prisoners of War, 1949.
31. Geneva Convention (IV) on Civilians, 1949.
32. Guidero, Amanda & Hallward, Maia Carter (2018). Global Responses to Conflict and Crisis in Syria and Yemen, Springer International Publishing.
33. Guilfoyle, Douglas (2011). "The Mavi Marmara Incident and Blockade in Armed Conflict", British Yearbook of International Law, vol. 81, pp. 171-223.
34. International Law Commission [ILC] (2001). Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with Commentaries (ARSIWA).
35. International Law Commission [ILC] (2011). Draft Articles on Responsibility of International Organizations, with Commentaries (ARIO).
36. Mačák, Kubo & Zamir, Noam (2012). "The Applicability of International Humanitarian Law to the Conflict in Libya", International Community Law Review, vol. 14, pp. 403-436.
37. Middle East Eye (2018). "UN condemns likely Saudi and UAE 'war crimes' in Yemen" Available at: <https://www.middleeasteye.net/news/un-condemns-likely-saudi-and-uae-war-crimes-yemen> (Last visited: 2022.09.09)
38. Ruys, Tom; Corten, Olivier & Hofer, Alexandra (2018). The Use of Force in International Law: A Case-based Approach, Oxford University Press.
39. San Remo Manual on International Law Applicable to Armed Conflicts at Sea (1994). 12 June.
40. Sivakumaran, Sandesh (2012). The Law of Non-International Armed Conflict, Oxford University Press.
41. World Food Program (2019). "Overview", Available at: <https://www1.wfp.org/overview> (Last visited: 2022.09.09)

42. Zamir, Noam (2017). Classification of Conflicts in International Humanitarian Law: The Legal Impact of Foreign Intervention in Civil Wars, Edward Elgar Publishing.

